



«کرونا» و تولد گونه‌ای دیگر از شعر

با شیوع یافتن بیماری کرونا یا نگرانی‌های آن در سطح جامعه، شعرهای کرونایی هم رواج یافته است. در مجموع این نوع شعرها را در دو دسته می‌توانیم جای دهیم؛ یکی شعرهای عاشقانه که در آن‌ها با این بیماری و اشکال سربایت آن مضمون‌سازی شده و دیگری شعرهای طنز اجتماعی که در آن‌ها شاعران به این بهانه به مسائل مملکت و انتقاد از مسئولان پرداخته‌اند. از نمونه‌های عاشقانه، این رباعی از سعید بیابانکی است:

دستان پر از محبت ما را کشت
آغوش پر از حرارت ما را کشت
این‌ها به کنار، چشم بادامی من!
تست کرونای مثبتیت ما را کشت

از نمونه‌های انتقادی، این رباعی از شروین سلیمانی است:

ای کاش نجایمان ز ین‌بست دهد
بر هر که، همان که لایقش هست دهد
ای کاش که با یکایک مسئولین
مُرد کرونا گرفت‌های دُست دهد

ولی تصور من این است که ساحت شعر باید قدری کلی‌تر و فراتر از این‌ها باشد، چنان که ساحت دین و اعتقادات هم چنین است. اکنون می‌بینیم رویکرد بعضی از دینداران ما به کرونا، از منظر شفابخشی اماکن زیارتی است، در حالی که ما جنبه‌های بسیار مهم دیگری از این بیماری و هر بیماری دیگری داریم که شعر و دین به واقع باید وارد آن ساحت شوند، از جمله ساحت اخلاقی و تأمل‌آمیز قضیه.

دربرز یادداشت خوبی از شاعر گرامی محمد مهدی سیار دیدم. وی به این اشاره کرده بود که اکنون و در حالی که ما از فضاهای عمومی مذهبی کناره گرفته‌ایم، می‌توانیم در این تأمل کنیم در غیاب بلندگو، ملأح ، مسجد و حرم، چگونه می‌توانیم این معنویت را در خودمان زنده نگه داریم. یعنی تجربه نوعی معنویت بدون ابزار. در مورد شعر هم می‌تواند رویکرد شاعران یک رویکرد معنوی و اخلاقی باشد. «مرگ» سایه‌ای است که همواره آدمی را تعقیب می‌کند و در این زمان‌ها انسان بیشتر به این سایه نزدیک می‌شود. گاه از آن می‌ترسد و گاه با آن رقیق می‌شود. این می‌تواند موضوع شعر ما باشد. «امید» چیزی که به انسان انرژی مقابله با همه دشواری‌ها را می‌دهد، خود می‌تواند به وسیله شعر ترسیم شود. ما در این ایام به «همدردی» نیاز داریم. دیدیم کسانی را که در این ایام ماسک احتکار کردند و کسانی را که ماسک رایگان به دیگران هدیه کردند. اینجاست که شعر می‌تواند به کمک آید و روحیه تعاون و همدردی انسان‌ها را تقویت کند.

بسیاری از شاعران در این ایام از جلسات شعر فاصله گرفته‌اند. این خودش می‌تواند زمینه‌ای برای مطالعه باشد. این خلوت‌ها و انزواها را می‌شود فرصتی ساخت برای خواندن کتاب‌های نخوانده، سرودن شعرهای نسروده و گفتن حرف‌های ناگفته.

این‌ها دایره‌ای وسیع از مسائلی است که یک شاعر در چنین وضعیتی با آن روبه‌روست و هر یک از این‌ها می‌تواند سوزه شعری شود. انتقال ویروس از طریق دست‌دادن و بوسیدن و امثال این مسائل، ساده‌ترین رویکرد یک شاعر به این موضوع است. شاعران می‌توانند به روح انسان‌های درگیر در این وضعیت نقب بزنند؛ این روح‌ها را جلا دهند و آن‌ها را برای هر دو مسیری که در پیش هر آدمی هست، زندگی و مرگ، آماده سازند.

هنرهای تجسمی

نخستین مسابقه بین‌المللی کارتون با موضوع «ما کرونا را شکست می‌دهیم»



مهدیه قمری: وزارت بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی شیراز با مشارکت مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری، بنیاد فرهنگی روایت فتح، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و شبکه مجازی آی‌گپ، اقدام به برگزاری نخستین مسابقه بین‌المللی کارتون با موضوع «ما کرونا را شکست می‌دهیم» کرده است.

دبیراجرایی این رقابت هنری در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: هنر و استفاده از رشته‌های تصویری همچون کارتون می‌تواند پیام‌های مختلف اجتماعی به ویژه در حوزه پیشگیری، بهداشت و درمان را در مدت کمی به جامعه منتقل کرده و تأثیرگذاری شگرفی در همین مدت کوتاه در نگرش مردم ایجاد کند.

محمودجواد زارع مهدیه با اشاره به اینکه هنوز بیش از ۳۰ ساعت از اعلام فراخوان این مسابقه نگذشته بود که ۲۰ کشور جهان آثار خود را به دبیرخانه ارسال کردند، ادامه داد: چین، کوِبا، مراکش، صربستان، مقدونیه، یونان، مازری، هند و لهستان تنها بخشی از این کشورهای شرکت‌کننده هستند.

وی بیان کرد: سیدمسعود شجاعی طباطبایی، دبیر و دکتر هدایتی، دبیر هنری این رخداد هنری هستند. هنرمندان تا ۱۱ فروردین مهلت دارند آثار خود را به دبیرخانه این مسابقه ارسال کنند. دبیر اجرایی نخستین مسابقه بین‌المللی کارتون با بیان اینکه هر شرکت‌کننده می‌تواند در هر بخش حداکثر پنج اثر ارسال کند، یادآور شد: به هنرمندانی که آثارشان به فینال راه یابد کاتالوگ نمایشگاه اهدا می‌شود. (۵۰۰ فینالیست) و فایل الکترونیکی PDF کاتالوگ برای همه شرکت‌کنندگان ارائه می‌شود.

وی تصریح کرد: اهدای جوایز برگزیدگان ایرانی منوط به حضور آنان در مراسم اختتامیه است. بدیهی است پس از شکست کرونا، کمک هزینه سفر به برگزیدگان تعلق می‌گیرد.

دبیر اجرایی نخستین مسابقه بین‌المللی کارتون بیان کرد: در صورتی که این ویروس را شکست دهیم و شرایط کشور به حالت اولیه بازگردد، مراسم اختتامیه این مسابقه ۱۵ اردیبهشت همزمان با هفته شیراز برگزار می‌شود.

گفت‌وگو با محمدهاشم اکبریانی به انگیزه انتشار اثر جدیدش

کتابی درباره تاریخ «کتاب فروشی»

| ادب‌و هنر | جواد شیخ‌الاسلامی | جدیدترین

کتاب محمدهاشم اکبریانی، نویسنده، روزنامه‌نگار و محقق حوزه تاریخ‌شغاهی ادبیات و نشر، سوزه جالب‌توجهی دارد. اکبریانی که پیش از این سابقه انتشار چندین جلد کتاب تاریخ‌شغاهی ادبیات‌معاصر را در کارنامه دارد، این بار سراغ تاریخ شغاهی کتاب‌فروشان و ناشران معاصر ایران رفته است.

وی دفتر سوم تاریخ‌شغاهی نشر معاصر ایران با عنوان «کتاب‌فروشی؛ گفت‌وگو با کتاب‌فروشان» را توسط مؤسسه خانه کتاب منتشر و راهی بازار نشر کرده است. مؤسسه خانه‌کتاب پیش از این دفتر اول و دوم تاریخ‌شغاهی نشر معاصر ایران را با عناوین «ویرایش؛ گفت‌وگو با ویراستاران» و «گفت‌وگو با پخش‌کنندگان کتابهای عمومی و دانشگاهی» را چاپ کرده است.

آنچه در این کتاب مورد دقت قرار گرفته، پرداختن به کتاب‌فروشی‌هایی است که هر یک سبک و سیاق خود را در عرضه کتاب در پیش گرفته‌اند. در کنار آن به حضور فضای‌مجازی و تأثیر آن بر کتاب‌فروشی‌ها نیز اشاره شده است. قاجاق‌کتاب، تعطیلی کتاب‌فروشی‌ها و... نیز بخش‌هایی از این گفت‌وگوها را در خود جا داده است.

به همین انگیزه با اکبریانی درباره تاریخ‌شغاهی ادبیات و نشر ایران، نقدهایی که به آثار او می‌شود و نگاهش به تاریخ‌شغاهی صحبت کرده‌ایم که می‌خوانید.

♦ بیشترین فعالیت شما در حوزه تاریخ‌شغاهی بوده است. این علاقه از چه زمانی و چگونه شکل گرفته است؟

این علاقه برمی‌گردد به زمانی که من در اواخر دهه ۷۰ مسئول صفحه ادبیات روزنامه همشهری بودم و وقتی برای نوشتن مقالات و یادداشت‌ها دنبال منابع دسته اول بودم، اما پیدا نمی‌کردم. همان زمان احساس کردم در این زمینه خالهای زیادی وجود دارد و لازم است منابعی به وجود بیایند. به نظرم آمد بهترین منابع و سند گفتمته‌ای کسانی است که در یک حوزه فعال بوده‌اند، مثل کسانی که در ادبیات فضایی را تغییر داده‌اند و یا اثرگذاری داشته‌اند. بنابراین سراغ این افراد رفتم تا نامی از فضای ادبیات در دههای ۳۰ و ۴۰ تا ۵۰ و حتی ۶۰ برایم بازگو کنند و من آن را در اختیار جامعه قرار دهم تا همه بتوانند از آن به عنوان منبع استفاده کنند.

♦ به سراغ کتاب «کتاب‌فروشی» که تاریخ شغاهی کتاب‌فروشان و ناشران ایران است برویم. چرا سراغ این سوزه، یعنی کتاب‌فروش‌ها رفته‌اید؟

من پس از اینکه در حوزه ادبیات کاری که باید و می‌توانستم انجام بدهم را با تمام مولانی که داشت انجام دادم، سراغ نشر رفتم. دلایل این انتخاب هم این بود که ما در ایران شناخت کمی از صنعت نشر داریم. در جمله ما نشر را فقط به ناشر و نه کتابفروش می‌شناسند. برای همین تصمیم گرفتم نشر را به عنوان چرخه‌ای بینیم که عوامل مختلفی در آن حضور دارند و برای تولید کالای فرهنگی کتاب، عناصر زیادی دخیل هستند؛ مثل مصاف، ویراستار، مؤلف، حروفچین و غیره. بنابراین کار تاریخ‌شغاهی صنعت نشر را شروع کردم، به این دلیل که معتقد خیلی از اطلاعاتی که اکنون در دست ما و در ذهن بسیاری از پیشگسوتان حوزه نشر است، پس از مدتی از بین خواهند رفت. با این دغدغه کار

تازه‌های نشر

عرضه «نبات و لواشک» در کتاب‌فروشی‌ها

سروش: مجموعه داستان «نبات و لواشک» نوشته مهدی نورعلی‌شاهی است که با تصویرگری مریم اخجاری از سوی انتشارات سروش برای نوجوانان منتشر شده است.این مجموعه شامل ۱۴ داستان کوتاه با عنوان‌های «رادیو دموچ، ماشین اصلاح‌دستی، موز و آتاری، هوشنگ دیوونه، برف... برف نو، خواب‌ظهر تابستان، کت و شالوار و موی آلمانی، روزهای آخر خرداد، مینی یاماها و یونولیت، گوسفند بزک کرده، عروسی مورچه‌ها، کاکلی، نبات و لواشک و سرگرد آبنبات‌ها» است.این کتاب مجموعه‌ای از قصه‌ها، داستان‌ها و خاطرات جدی و طنز پسر نوجوانی است که بزرگ شده و به سن جوانی رسیده و از خاطرات آن روزها می‌گوید که با آجان، مادر، برادر و خواهر بزرگ‌ترش ماجراها داشته‌اند. از روزهایی که خواهرش مریم سخت مریض شده و مدام با صدای بلند گریه می‌کند و خیال می‌کند در حال مردن است و با همه وداع می‌کند، اما در نهایت همه‌چیز به خیر می‌گذرد.انتشارات سروش، مجموعه داستان «نبات و لواشک» را در ۱۴۴ صفحه با شمارگان ۱۰۰ نسخه و قیمت ۱۴هزار تومان منتشر کرده است.

زاویه دید

انعکاس زندگی «طلبه‌ها» در ادبیات داستانی

ادبیات سوء تفاهم ها را از بین می برد

خدیجه زمانیان: نویسنده کتاب «زن آقا» نقش

سینما را در ورود به زندگی طلبة‌ها از نقش ادبیات پررنگ‌تر می‌داند. زهرا کاردانی معتقد است: «اتفاقاً در سینما غیرطلبه‌ها به سراغ این سوزه رفته‌اند و با این موضوع فیلم ساخته‌اند، اما زندگی طلبة‌ها در ادبیات داستانی با مصادیق بسیار کم منعکس شده و فقط طلبة‌هایی دستنی هم بر قلم داشته‌اند اقدام به نوشتن داستان کرده‌اند و خارج از این قشر، نویسنده‌ای با این موضوع داستانی نوشته است. اگر بخوایم نمونه‌ای از این داستان‌ها را نام ببریم به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد».

کتاب «قصه سعید و مریم» و مجموعه داستان «زوده» نوشته ارش سالاری، کتاب‌های «کمیک استریپ‌های شهاب» و «نه نام یوس» نوشته علی آرمین، «برکت» نوشته ابراهیم اکبری دیزگاه و کتاب «وقت معلوم» نوشته مهدی کفایش، عنوان چند اثر داستانی است که با موضوع طلبة‌ها نوشته شده است. کاردانی با ذکر این عناوین، تعداد این آثار را در قیاس با موضوعاتی که در بازار کتاب وجود دارد، اندک می‌داند و می‌افزاید: «در حال حاضر رمان‌های موجود در بازار که



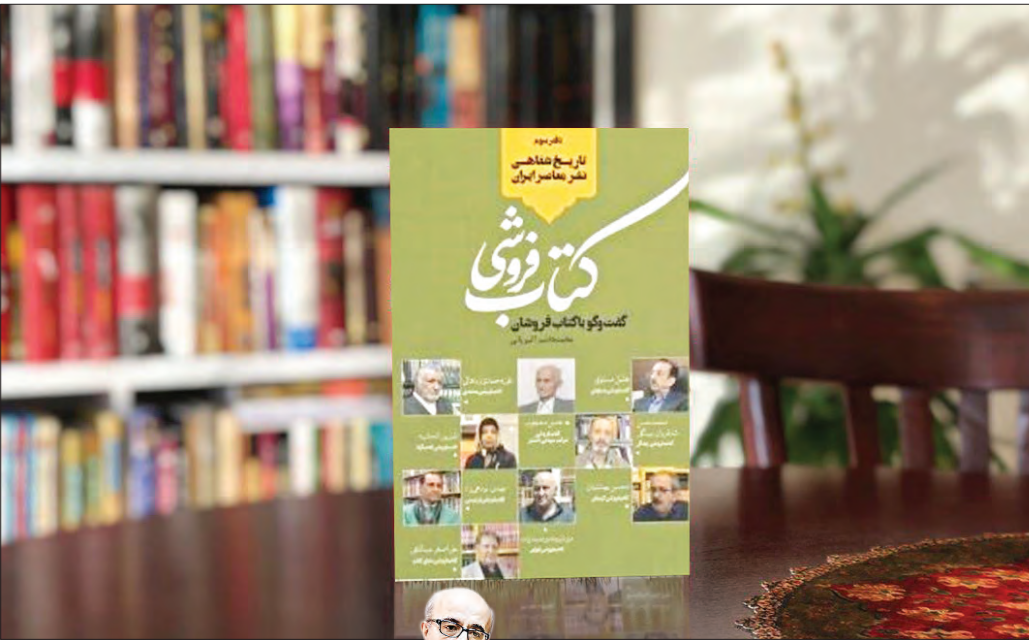
برش

تاریخ شغاهی نگاه چالشی به مباحث ندارد، بلکه باید از زبان یک فرد درباره موضوع یا برهه‌ای از تاریخ گز ارش بدهد

♦ در کتاب‌های تاریخ شغاهی یک مسئله مهم، انتقال تجربه است. فکر می‌کنید کتاب کتاب‌فروشی و تاریخ‌شغاهی‌های صنعت نشر تا چه اندازه می‌تواند برای نشر امروزمان مفید و کارآمد باشد؟

از چند زاویه می‌توان به کار تاریخ‌شغاهی نگاه کرد. یکی انتقال تجربه است، یعنی کسانی که می‌خواهند در شغل کتاب‌فروشی فعال شوند می‌توانند تجربه گذشتگان را ببینند و درس‌آموزی کنند. اما برای من هدف اصلی این بود تا منبع کاملاً موثقی در اختیار پژوهشگرانی قرار بدهم که در آینده می‌خواهند در مورد کتاب‌فروشی‌های امروز ایران تحقیق کنند. یعنی ممکن است این تاریخ شغاهی برای جوانی که می‌خواهد یک کتاب‌فروشی امروزی و مدرن داشته باشد، چندان کارآمد نباشد، اما برای پژوهشگری که مثلاً ۱۰۰ سال آینده قصد مطالعه کتاب‌فروشی‌های امروز را دارد، کاملاً کارآمد است.

♦ بعضی منتقدان به کتاب‌های قبلی شما در حوزه تاریخ‌شغاهی نقدهای جدی داشتند. آن‌ها معتقد بودند شما با تعدادی پرسش مشخص به سراغ افرادی رفته‌اید که هر کدام روحیه، شخصیت، تجربه‌ها و اندوخته‌های مختلفی داشتند. به همین دلیل همه کتاب‌ها شبیه هم هستند و یک سیر مشخص را طی می‌کنند. یکی از نقدها هم این بود که شما هیچ‌وقت با راوی «چار چالش نمی‌شوید، نظر تان راجع به این نقدها چیست؟



برش

درباره اینکه گفته شده کتاب‌ها چالشی نشده‌اند و با آن چیزی که راوی گزارش کرده، برخورد فعال نشده، باید بگویم تاریخ شغاهی نگاه چالشی به مباحث ندارد بلکه باید از زبان یک فرد درباره موضوع یا برهه‌ای از تاریخ گزارش بدهد. اگر من به عنوان پرسشگر بخواهم در مورد صحت اطلاعاتی که راوی ارائه می‌کند وارد چالش شوم، بخش اعظمی از کتاب به چالش تبدیل می‌شود. البته ممکن است گزارش ارائه شده به زعم بعضی غلط باشد. در این صورت کسی که می‌گوید این گزارش غلط است در جای دیگری جوابش را می‌دهد. من فکر می‌کنم اگر با گفت‌وگوکننده چالش کنم، ممکن است کسی که گزارش می‌دهد از خرفش عقب‌نشینی کند و بگوید حرف شما درست است و من اشتباه کردم. به این توجه کنیم که ممکن است از یک واقعه دهها گزارش وجود داشته باشد که همه هم ادعا می‌کنند گزارش آن‌ها درست است. به همین دلیل معتقدم گفت‌وگوکننده اصلاً نباید دنبال تأیید حرف‌های راوی باشد. در دنیا هم همین نگاه به تاریخ‌شغاهی وجود دارد یعنی گفت‌وگوکننده صرفاً گزارش‌نویس آن گزارشی است که راوی ارائه می‌دهد.

♦ اگر در حین گفت‌وگویی مطمئن بودید راوی درباره یک اتفاق مسلم تاریخی گزارش اشتباه یا مغایر با واقعیت بیان می‌کند، این اشتباه را با او مطرح نمی‌کنید؟

من مطرح نمی‌کنم، چون قرار نیست آن کتاب تحلیلی یا تحقیقی باشد، تاریخ‌شغاهی یعنی گزارش حرفی که راوی بیان می‌کند. من نمی‌دانم چه کسی گفته باید در کتاب تاریخ‌شغاهی چالش وجود داشته باشد. تاریخ‌شغاهی یعنی گفتن، آوردن و ضبط سخنان و گزارش فردی که روپه‌روی شما نشسته است.

♦ اگر یک راوی به علت کھولت سن و یا فاصله زمانی با واقعه دچار اشتباه شود و حتی خودش هم این مسئله را قبول داشته باشد، عصبه بی‌توجهی به تاریخ‌شغاهی مربوط به بی‌علاقگی مردم به کتاب‌خوانی است.

کتابی از خرامان برای علاقه‌مندان به داستان پلیسی

مدرس سه: رمان پلیسی – اجتماعی «هفت دقیقه به شلیک» به قلم مصطفی خرامان منتشر شد. رمان «هفت دقیقه به شلیک» دو روایت از دو ماجراست که همزمان با هم پیش می‌روند. اما در طول خواندن داستان با زندگی سه نفر آشنا می‌شوید. عماد، دختر خبرنگار و صاحب کیف مردانه.داستان در مورد پسری به نام عماد است. پدر عماد صندوقدار شرکی بوده که به دلیل مشکلات مالی در زندان به سر می‌برد. عماد به خاطر مشکلات مالی می‌خواهد به مادرش کمک کند تا بتواند زندگی‌اش را سر و سامان دهد. از آن جایی که مادر نمی‌تواند او را از این کار منصرف کند، سبزه می‌کارد تا شب عید پسر آن‌ها را بفروشد. در یکی از روزها کیف پول مردانه‌ای روی بساط پسر سبزه‌فروش جا می‌ماند و همین ماجرا پای پلیس را وسط می‌کشد. دختر خبرنگاری هم که آمده برای روزنامه‌شان گزارش تهیه کند، وارد ماجرا می‌شود.

«هفت دقیقه به شلیک» با ۱۰ فصل در ۱۶۰ صفحه از سوی انتشارات مدرسه در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.

زاویه دید

انعکاس زندگی «طلبه‌ها» در ادبیات داستانی

ادبیات سوء تفاهم ها را از بین می برد



که از مردم بخوایم خودشان را روایت کنند و در مورد خودشان بنویسند و بعد ما سراغ آن‌ها برویم و خودمان تلاش کنیم آن‌ها را بشناسیم تا به پرسش‌های ذهنی‌مان پاسخ دهیم. قشر طلبه خاصی جزئی از جامعه‌اند که نیاز به روایت شدن و روایت کردن دارند تا فضای جامعه فضای یک‌دست‌تری شود، ضمن اینکه همان‌طور که گفتیم این موضوع

اتفاقی که این روزها در جامعه ما خیلی زیاد مطرح می‌شود،سوء تفاهم موجب شکاف بین اقشار جامعه می‌شود. افرادی که از این سوء تفاهم متضرر می‌شوند، قشر خاصی نیستند، دودش به چشم همه مردم جامعه می‌رود، چون کم‌کم زندگی را برای همه مردم جامعه سخت می‌کند. بنابراین اولین راه این است

مرد علاقه مردم هم هست».

نویسنده «زن آقا» در پاسخ به این پرسشش که آیا بهتر است طلبة‌ها خودشان را روایت کنند یا سایر نویسندگان به زندگی این قشر بپردازند، می‌گوید: «این مسئله‌ای است که در مورد داستان دفاع مقدس هم مطرح می‌شود که آیا باید حاضران در جنگ از جنگ بنویسند یا سایرین هم می‌توانند حرف‌های خودشان را بزنند. پاسخ هم مشخص است هر کسی می‌تواند روایت خودش را درباره موضوعی داشته باشد. مثل روایتی که احمد محمود در «زمین‌سوخته» از جنگ دارد. با آنکه در این کتاب مخاطب به نگاه مثبتی نمی‌رسد، اما چنان‌با قلم قوی نوشته شده و صحنه‌پردازی‌ها دقیق است که وقتی آن را می‌خوانیم به راوی حق می‌دهیم، چون همه قرار نیست یک نوع نگاه به یک موضوع داشته باشند. در حوزه طلاب هم قرار نیست همیشه خودشان، خودشان را روایت کنند که اگر این‌طور باشد از واقعیت دور می‌شویم. همه آدم‌ها حق دارند آنچه می‌بینند را روایت کنند. نکته مهم این است که نگاه متعدهانه، بدون غرض، واقعی و بدون سیاه‌نمایی داشته باشیم».

اعتبار کتاب تاریخ‌شغاهی را بیشتر می‌کند. به سبندت آن کتاب اضافه نمی‌کند. از کجا می‌دانید آن شخص بعداً نظرش در مورد گزارشی که ارائه داده، تغییر نمی‌کند و نمی‌گوید من اشتباه کردم. اگر چنین چیزی وجود داشته باشد، راوی بعداً می‌تواند درباره آن واقعه شرح دهد و یا در چاپ‌های بعدی کتاب، مسئله را عنوان کند. ما در مورد شمس لنگرودی دانشیم که موضوعی را فراموش کرده بود و به چاپ دوم کتاب اضافه شد. ولی هیچ‌کدام از کسانی که من با آن‌ها گفت‌وگو کردم تا به حال نگفته‌اند در فلان موضوع اشتباه کردم.

♦ مثلاً نظر آقای محمدطلوعی این است که در ایران اصلاً تاریخ شغاهی پدید نیامده، نظر شما چیست؟

من موافق نیستم. درباره کتاب‌هایی که در حوزه تاریخ شغاهی ادبیات و نشر کار کرده‌ایم آگاهی لازم وجود دارد، یعنی اگر کسی که درباره تحولات ادبی دهه ۳۰ و ۴۰ و جریان ادبی که در آن دهه‌ها وجود داشته، گفت‌وگو و پژوهش می‌کند، از اتفاقات و جریان‌ها اطلاع نداشته باشد نمی‌تواند پرسشی بپرسد. اما در این بین هم ممکن است راوی موضوعی را گزارش بدهد که موافق نظر گفت‌وگوکننده نباشد، اما من در اینجا هم به گفت‌وگوکننده حق نمی‌دهم بلکه گزارشش که شما می‌دهید غلط یا درست است، چون آن گزارش از نظر آن فرد درست است، پس بگذارید گزارشی که آن فرد می‌گوید در تاریخ ثبت شود، نه گزارشی که گفت‌وگوکننده می‌خواهد.

♦ یعنی معتقدید ما باید فقط گزارش راوی را منتقل کنیم تا مخاطب در پیوند با دیگر گزارش‌ها به یک تصویر کلی برسد.

بله چون ممکن است شما هیچ‌وقت نتوانید تصویر درستی از یک واقعه پیدا کنید، چون هر کس گزارش خودش را می‌دهد و از یک زاویه نگاه می‌کند.

♦ پیش از اینکه کار کتاب‌فروشی و مجموعه تاریخ شغاهی صنعت نشر شروع شود، تحقیق و پژوهش داشید؟

بله، تا جایی که بتوانم پرسش‌های دقیق و مناسبی بپرسم. اما با جزئیات کامل تحقیق و پژوهش نکردم، چون فکر می‌کنم این کار من نیست، کار کسانی است که می‌خواهند روی این منابع کار پژوهشی انجام دهند.

♦ چرا از تاریخ شغاهی ادبیات با وجود جذابیتی که دارد، از طرف ناشران، نویسنده‌ها و خوانندگان استقبال نمی‌شود؟

خیلی‌ها دوست دارند کار کنند، اما کار آن‌قدر مشکل است که هیچ‌کس قادر به انجام آن نیست. شما اگر دقت کنید به جز حوزه ادبیات که نزدیک ۱۶-۱۷ جلد تاریخ‌شغاهی در آن چاپ شده، با قاطعیت می‌گویم در هیچ حوزه‌ای این همه کتاب تاریخ‌شغاهی نداریم، چون کار خیلی سختی است و سود مادی هم در آن وجود ندارد. هزینه‌های انتشار بعضی کتاب‌ها را خودم متقبل شدم، البته از بعضی کتاب‌ها مثل کتاب گفت‌وگو با لیلی گلستان و بعضی کتاب‌های دیگر استقبال شده است، اما دلیل عصبه بی‌توجهی به تاریخ‌شغاهی مربوط به بی‌علاقگی مردم به کتاب‌خوانی است.